

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: سرگنی پولتائف  
برگردان و تنظیم: فواد قراگوزلو  
۲۷ دسمبر ۲۰۲۳

## چگونه رهبرانی نالایق، اوکراین را به جاده تباهی کشاندند



هفته گذشته غرب دهمین سالگرد رویدادی را جشن گرفت که به عنوان «یورومیدان» شناخته می شود. در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۳، ویکتور یانکویچ، رئیس جمهور وقت اوکراین اعلام کرد که این کشور آماده سازی برای امضای توافقنامه اتحادیه اروپا را به حالت تعلیق درمی آورد. در همین اثنا، مصطفی نیم روزنامه نگار و فعال مجازی در صفحات شخصی اش از مردم خواست در اعتراض به این موضوع در میدان «میدان» تظاهراتی را به راه بیندازند.

او به مردم وعده گذراندن اوقاتی جذاب همراه با صرف چایی را داد!

در ابتدای امر تعداد کمی از مردم این فراخوان را جدی گرفتند- اوکراینی ها از انقلاب نارنجی ۲۰۰۴ به این سو به دیدن چادرها در میدان اصلی کی یف عادت داشتند. زیرا اغلب نزاع های سیاسی سیرک وار نمایندگان، در ساختمان اصلی پارلمان ملی (ورخووا رادا) حل نمی شد و ترکش های آن به «میدان» می رسید. سلسله حوادثی از جمله لغو اصلاحات قانون اساسی رئیس جمهور سابق ویکتور یوشچنکو، دستگیری یولیا تیموشنکو، نخست وزیر سابق و ده ها رویداد کم اهمیت دیگر ، باعث شد زمانی که یانوکویچ در حال تمدید توافقنامه ناوگان دریای سیاه با مسکو بود اپوزیسیون جمعیت معترض را با موفقیت در «میدان» جمع کرده باشد. این بار نیز به نظر می رسد که اوضاع مطابق معمول با سر و صدای معترضان و در نهایت متفرق شدن آنها به پایان می رسد. علاوه بر این در مقایسه با اعتراضات سال های گذشته جمعیت زیادی در اطراف پارلمان به چشم نمی خورد.

## آنها فقط به مشت بچه هستند!

در ۳۰ نوامبر ۲۰۱۳ رویدادی در حال وقوع بود که مسیر تاریخ زرد و آبی‌ها را به سمت و سویی دیگر کشاند. در آن شب تاریخی نیروهای پلیس ویژه «برکوت» (نوعی SWAT اوکراینیزه شده) با خشونت هرچه تمام یک کمپ کوچک، متشکل از چند چادر و خیمه را در اطراف بنای یادبود استقلال متفرق کرد. کل اوکراین شاهد کتک خوردن وحشیانه چند دانش آموز در تلویزیون بود و همین امر اولین جرقه های آشوب را در کشور مشتعل ساخت. صف‌بندی‌ها از همین نقطه آغاز شد: بسیاری از مردم خشمگین بودند، برخی هرج و مرج را محکوم می‌کردند و برخی دیگر از مقامات به حمایت از معترضان برخاستند. حتی این موضوع که بسیاری از مقامات مربوطه دانش‌آموختگان دانشگاه های شوروی بودند و در این نظام فکری بازنشسته شده بودند نیز اهمیت خود را از دست داده بود. وقایع «میدان»، تأثیر بهمن وار خود را گذاشته بود و در اواخر فوریه به خونریزی‌های بی‌سابقه و در نهایت کودتا ختم شد.

تئوری های توطئه زیادی درباره اتفاقات آن شب کذایی وجود دارد. عده ای معتقدند که این شو! یک تحریک عمدی بود که توسط رئیس دفتر ریاست جمهوری، سرگنی لیوچکین سازماندهی شده بود که تمامی وقایع را در کانال تلویزیونی خود (Inter TV) پخش کرد چون مطمئن بود که این دست حوادث، واکنش عمومی را در پی خواهد داشت. ظاهراً لیوچکین از مخالفان انتظار داشت که رئیس او یعنی یانکوویچ را سرنگون کنند. با این حال، صحت این تفسیر درست به نظر نمی رسد. نخست اینکه انگیزه لیوچکین برای راه‌اندازی کودتا خیلی مشخص نیست. اما مهم‌تر آنکه در اوکراین هرگز نه قبل و نه بعد از این ماجرا عروسک گردانی چنین باهوش و مکار وجود نداشت که بتواند با چنین نقشه ای هم مخالفان و هم نیروهای دولتی را وادار به رقص و آواز با خودش همراه سازد. کمی قبل‌تر در سال ۲۰۱۰ کارآفرینان معترض به اصلاحات مالیاتی در نزدیکی بنای یادبود استقلال نیز توسط پلیس به بهانه نصب درخت کریسمس متفرق شدند. در آن زمان لیوچکین رییس دفتر ریاست جمهوری بود. آیا این بدان معناست که یانکوویچ یک خائن را در آستین خود پرورانده بود که به مدت سه سال چنین منصب مهمی را در اختیار داشت؟ ظاهراً دلایل دیگری نیز برای اتفاقات مذکور وجود داشته است. اما امروز یقین حاصل شده که ماشه ای که در ۳۰ نوامبر کشیده شد حاصل تناقضاتی بود که سال‌ها بر روی هم تلنبار گشته و در نهایت منجر به سرریزی دیگ جوشانی شد که نخبگان به کمارفته اوکراین چاره ای برای خاموش کردن آن نداشتند. اوکراین برخلاف بسیاری از کشورها که توسط یک لژ مخفی و احزابی ثابت و خاص اداره می‌شود ملغمه ای از سیاستمداران را برای اداره کشور در خود می‌دید که اقدامات‌شان همیشه در راستای اهداف کوچک و کوتاه مدت بوده است. این موضوع را باید معضل اصلی اوکراین و سرنوشت غم - انگیزی که به آن دچار شده است بدانیم.

## راهپیمایی به سمت ولادیمیرسکی

از آن تاریخ به بعد (۳۰ نوامبر) هر اقدام کی یف بدتر از اشتباه قبلی آنها بود و هر تصمیم جدیدی که اتخاذ می شد اوکراین را بیشتر به ورطه پرتگاه می کشاند. یانکوویچ نیروهای ویژه برکوت را مسئول خشونت ها می دانست و با این کار نه تنها خود را از حمایت سرویس های امنیتی محروم کرد بلکه پشتیبانی آن بخشی از جامعه که مخالف تظاهرات میدان بودند را نیز از دست داد. یانکوویچ برای مبارزه با معترضان به دامن مزدوران تیتوشکی متوسل شده بود. او پای این هیولاها را با هزینه ای ناچیز از مناطق جنوب شرقی اوکراین به کی یف باز کرد و عملاً خشونت علیه غیرنظامیان را - که تا امروز ادامه دارد مشروعیت بخشید. با این همه یانکوویچ نتوانست با قتل و کشتاری که از سوی طرفداران و فعالان «میدان» شروع شده بود مقابله کند. نیروهای پلیس هر روز ضعیف تر می شدند و برکوت نیز که دولت وقت، ایشان را مقصر شروع خشونت می دانست درنهایت از اجرای دستورات دولتی سر باز زد. و به همین

ترتیب شکست دولت یانکوویچ با ناتوانی او در جلوگیری از تصرف ساختمان های اداری دولتی در غرب کشور به تحقق پیوست. اپوزیسیون که متوجه ضعف دولت در کنترل اوضاع شده بود فرصت را مغتنم شمرد و از این موج، نهایت بهره را برد.

به چند روز نکشید که یانکوویچ از کی یف (جایی که گلوله ها در هوا سرگردان بودند و به اشغال معترضین درآمده بود) گریخت. هنوز هم یانکوویچ می توانست به پشتوانه قانونی بودن ریاستش بر دولت و مهمتر از آن، حمایت توده های مردم سایر شهرها نظیر خارکف که مخالف میدان بودند بر کودتا غلبه کند. اما او تصمیم گرفت مخفیانه به روسیه فرار کند و اوکراین را دودستی به اقلیتی متجاوز تقدیم سازد و کشور را به سمت یک جنگ داخلی اجتناب ناپذیر سوق دهد. الکساندر تورچینوف [۱] یکی از رهبران میدان که با دور زدن تمام قوانین اساسی کشور به ریاست موقت جمهوری رسیده بود به «راهپیمایی باشکوه» [۲] «ادامه داد. تورچینوف سعی نداشت با مخالفان میدان (شبه نظامیانی متشکل از کمونیست ها، روس زبان ها و طرفداران روسیه به رهبری الکساندر زاخارچنکو که در استان های لوهانسک و دونتسک مستقر بودند) که توسط یانکوویچ رها شده بودند مذاکره کند. در عوض تورچینوف به ارتش دستور داد تا برنامه ریزی حمله به مناطق مذکور و سرکوب مخالفان و ناراضی ها را سرعت ببخشد. کشتار مخالفان شروع شده بود و جهان غرب که از بهار ۲۰۱۴ نگران خشونت های یانکوویچ علیه معترضان بود این بار در سکوتی معنادار چشمانش را به روی جنایت ارتش بسته نگه داشت. قتل عام هایی که در سرتاسر اوکراین در جریان بود [و هنوز نیز ادامه دارد] علیه کسانی انجام شد که دولت جدید را نپذیرفتند. بارزترین نمونه آن آتش سوزی ای بود که در خانه های کارگری اودسا در می ۲۰۱۴ اتفاق افتاد و در جریان آن، بسیاری از مردم زنده زنده در آتش سوختند. دولت جدید اقدامات آشوبگران را تأیید می کرد و رسانه ها و شبکه های طرفدار «میدان» در مورد «کباب دلپذیر» و «کلرادوی دودی شده» [۳] «مزه پراکنی می کردند. دومینویی از قتل و آشوب که به خشونت دامن می زد و در نهایت جنگ دونباس را شعله ور ساخت.

### اوکراین به منزله میدان جنگ

زمانی که پترو پروشنکو در ژوئن ۲۰۱۴ به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد قول داد که درگیری ها را متوقف کند. و براساس تمام حقایق موجود این فرصت را نیز داشت. اما در عوض با حمایت کامل غرب تصمیم به اعزام نیروی بیشتر به جبهه شرقی گرفت. پروشنکو پس از پذیرفتن شکستی سخت در دونباس مجبور شد که در پاییز ۲۰۱۴ توافقنامه «مینسک ۱» را امضا کند. با این حال به جای اجرای تعهدات صلح، به جنگ ادامه داد. آیا این تصمیم خود او بود یا اینکه تحت فشار قرار گرفت امروز برایمان کاملاً مشخص شده است. [می دانیم که اسلحه باندها با حمایت کامل نولاند و بچه های شیکاگو شقیقه هر کسی که از صلح کلامی به میان می آورد را نشانه می گرفت. م.]

دومین شکست کی یف در اوایل ۲۰۱۵ منجر به امضای توافق دیگری شد که از آن به عنوان «مینسک ۲» یاد می شود – که بار دیگر در طول همان سالها توسط تحریکات بی شماری نقض شد و هرگز به مرحله اجرا نرسید. حملاتی که در خاک دونباس اتفاق می افتاد تا آن زمان سابقه نداشت. به خصوص مجموعه حملاتی که قبل از جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه تنها به این بهانه تدارک دیده شده بود که شهروندان دونتسک، گورلوکا و سایر شهرها با مختل کردن این رویداد توسط رژیم کی یف مخالف بودند. سلسله اقداماتی که تنها باعث افزایش کینه و نفرت نسبت به رژیم کی یف شد و آخرین فرصت اتحاد مجدد را از بین برد. در سال ۲۰۱۹ ولادیمیر زلنسکی به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد. او نیز مانند اسلاف خود وعده پایان بخشیدن به جنگ و یافتن زبانی مشترک با روسیه را داد و مانند نیاکان سیاسی اش دقیقاً برعکس عمل کرد. در واقع ناکارآمدی سیاسی سال های اخیر در تقویم اوکراین باعث شده بود این کشور استقلال

خویش را کامل از دست بدهد و تبدیل به گاو جنگی غرب علیه روسیه شود. خواننده باید این نکته را لحاظ کند که هر کسی به جای زلنسکی، حتی شایسته ترین سیاستمدار هم نمی توانست اوضاع را تغییر دهد. مسکو متوجه شده بود که مسائل به نقطه ای رسیده است که نمی توان آنها را به طور مسالمت آمیز حل کرد و حالا با کشوری همسایه شده است که با حمایت غرب در حال انتقال ایدئولوژی ضدروسی از حرف به عمل بود. این امر روسیه را وادار کرد تا برای حفاظت از منافع ملی خود و از بین بردن تهدید در مرزهایش رو به اقدام نظامی بیاورد.

### این فقط یک خراش است!

حمله نظامی روسیه نقطه عطف سفر ۹ ساله کی یف بود که از «میدان» آغاز شد و به رویارویی با روسیه و نابودی اوکراین خاتمه یافت. اما حتی در سال ۲۰۲۲، تیم زلنسکی هنوز فرصتی برای اصلاح مسائل داشت، زیرا در جریان مذاکرات استانبول، به اوکراین یک مصالحه بسیار سودمند پیشنهاد شد. احتمالاً اگر کی یف آن را می پذیرفت بسیاری از روس های جنگ طلب را ناامید می کرد. اما یکبار دیگر اوکراین به صلح پشت کرد و تصمیم گرفت [با مشاوره بوریس جنگ افروز] در جاده منتهی به جهنم قهرمانانه قدم بزند. نتیجه همان زمان هم مشخص بود؛ در نتیجه این کشور نه تنها ضعیف تر شد بلکه از نظر جمعیتی نیز شروع به آب رفتن کرد، صدها هزار نفر در جبهه ها جان باختند و یا فلج و معلول به خانه ها بازگشتند و میلیون ها نفر نیز از کشور فرار کردند.

در پاییز ۲۰۲۲، ارتش اوکراین دو عملیات نظامی موفقیت آمیز انجام داد و بار دیگر این شانس را داشت که از این وضعیت سود برده و به پای میز مذاکرات استانبول بازگردد. در آن زمان مسکو تنها منطقه کریمه و بخش های کوچکی از دونباس را در اختیار داشت و به احتمال زیاد اوکراین با چانه زنی می توانست آنها را نیز بازپس بگیرد. در عوض کی یف تصمیم گرفت پل کریمه را منفجر کند. در نتیجه کریدور زمینی به کریمه برای تأمین شبه جزیره بسیار مهم شد و استراتژی حفظ کریمه باعث گشت که با استقرار نیروهای روس در خرسون و زاپروژیه، این دو منطقه نیز از کنترل اوکراین خارج شود. در تلافی این شکست، رژیم حاکم بر اوکراین با خط مشی «بازگشت تمام اراضی» در تابستان پیش رو دست به ضدحمله ای هیستریک و ماجراجویانه زد که نتیجه ای جز صدها هزار کشته و معلول نداشت. غرب شوکه از این شکست، نارضایتی خود را با عدم تحویل و تأخیر در سلاح های وعده داده شده نشان می داد و البته وعده هایی سرخرمن برای عضویت در اتحادیه موهوم اروپا برای اوکراینی که در حال متلاشی شدن بود. روسیه نیز با بهره گیری از گستاخی دشمن در حمله به زیرساخت ها - از نورداستریم تا پل کریمه و ترورهای در خاک روسیه - در نبرد اصلی سال ۲۰۲۳ با تمرکز بر تاکتیک های دفاعی سورویکین پیروز میدان شد و ظاهر جنگ را تغییر داد.

اکنون اوکراین با ورود به دومین زمستان جنگی خود همچنان به پای خویش شلیک می کند و به جای دستور توقف عملیات به ارتش خسته و متلاشی شده خود فشار می آورد تا برای خشنودی اربابان غربی و تبلیغات به حملات بی فایده خویش ادامه دهد. هیچ کس نمی داند که این جنگ به چه سمتی خواهد رفت و یا چه زمانی به پایان خواهد رسید، اما آنچه مسلم می نماید این است که رژیم فعلی حاکم بر اوکراین تجزیه شده، بار دیگر و بار دیگر تا مرز نابودی، بدترین گزینه ها را انتخاب خواهد کرد.

منبع: راشا تودی

\*\*\*\*\*

[1] اولکساندر تورچینوف (به اوکراینی Oleksandr Turchynov): زاده ۳۱ مارس ۱۹۶۴، اقتصاددان و سیاستمدار اوکراینی است. تورچینوف بعد از اتفاقات فوریه ۲۰۱۴ به عنوان رئیس جمهور موقت اوکراین انتخاب شد و از ۲۲ فوریه ۲۰۱۴ تا ۷ ژوئن ۲۰۱۴ تا برگزاری انتخابات ماه می برای ۳ ماه و نیم بر سر کار بود.

[۲] . اصلاحی که ملی‌گرایان اوکراینی از آن برای اشغال «میدان» در تقویم ضدروسی جدید خود استفاده می‌کنند.

[۳] . اصلاحی تحقیرآمیز که مخاطب آن کارگران سوخته‌شده طرفدار روسیه است.